

جایگاه زیارت اربعین در متون حدیثی و فقهی

امین شیرازی

چکیده

در احادیث فراوانی از امامان معصوم علیهم السلام به زیارت اربعین سفارش و به زمان و مکان استحباب آن اشاره شده است؛ به طوری که در مناسبت‌های گوناگون به آن ترغیب و در حدیثی، یکی از نشانه‌های مؤمن شمرده شده است. این سفارش‌های مؤکد از آن روست که پیش از شهادت امام حسین علیه السلام به هیچ‌روی اربعین جلوه‌ای نداشته و اهل بیت علیهم السلام خواسته‌اند به بهانه‌های گوناگون، از جمله با تأکید بر زیارت اربعین، نام و یاد آن حضرت زنده نگه داشته شود. در بحث اربعین، اصل زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این روز و مفاد زیارت اربعین اهمیت دارد و باید نه با نگاه صرفاً تاریخی، بلکه نگاهی معرفت‌شناسانه همراه باشد. زیارت اربعین به قدری در پاسداشت مقام سیدالشهدا علیه السلام تأثیر داشته که زیارت اربعین که ابتدا به چند ده نفر محدود می‌شد، امروزه به حضور میلیونی زائران حسینی در کربلا تبدیل شده است. این نوشتار، ضمن آوردن زیارت اربعین، به جنبه‌های تاریخی و اعتقادی این زیارت نزد شیعیان پرداخته است.

واژگان کلیدی: زیارت اربعین، امام حسین علیه السلام، معرفت، اهل بیت علیهم السلام، امامان معصوم علیهم السلام.

اربعین یک نگاه تاریخی صرف نیست؛ بلکه نگاهی معرفت‌شناسانه است. ما نمی‌خواهیم به صورت صرفاً تاریخی به موضوع اربعین پردازیم؛ بلکه با نگاهی معرفت‌شناسانه و با مراجعه به «زیارت اربعین» که سفارش اکید امام معصوم و حجّت خداست و با دقت در مضامین بلند آن که از امام صادق علیه السلام نقل شده، به آن می‌پردازیم. به این اعتبار، شیعه هویت خود را نیز باید در اربعین جست‌وجو کند.

بحث اربعین ابعاد مختلفی دارد. یک بعد آن، اصل زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این روز است. بُعد دیگر، مفاد زیارت اربعین است؛ چه آن زیارتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده و چه زیارت منقول از جابر و مخصوصاً زیارتی که از زبان امام علیه السلام است، ابعاد بسیار عمیقی را در قالب زیارت فرموده است.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر یادآوری مصائب حضرت سیدالشهدا علیه السلام به مناسبت‌های گوناگون تأکید داشتند. بخشی از خطبه‌های حضرت زینب کبری و حضرت امام زین العابدین علیه السلام در کوفه و شام بیان مظلومیت سیدالشهدا علیه السلام و در حقیقت، روضه‌خوانی است. بعد که اهل بیت به مدینه بازگشتند، در آن جا هم مجلس عزای سیدالشهدا پیوسته ادامه داشت؛ به گونه‌ای که امام زین العابدین علیه السلام عزاداران را اطعام می‌کرد^۱ و این سنت در نزد شیعیان از ایشان به یادگار ماند. این مجلس عزای چندین سال به طور پیوسته ادامه داشت و یک سال آن، به صورت شبانه‌روزی بود و بنا بر نقلی دیگر تا سه سال بعد از واقعه عاشورا این مجلس عزای مدینه برگزار می‌شد.^۲ پس از ایشان، امام باقر علیه السلام وصیت کردند که تا ده سال در منا روضه بخوانند.^۳

در دوره امام صادق علیه السلام فضا بازتر شد و حتی سرودن شعر و مراثی نیز تشویق می‌شد و شعر نقش مهمی در ماندگاری واقعه کربلا و تحریک عواطف دارد. لذا حضرت افرادی مانند ابوعمارہ منشد،^۴ جعفر بن عفان^۵ و ابوهارون مکفوف^۶ را تشویق می‌کند که برای حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام شعر بسرایند. در زمان امام رضا علیه السلام هم می‌بینیم که شاعرانی مانند مثل دعبل خزاعی^۷ برای سرودن اشعار عاشورایی مورد توجه حضرت قرار گرفتند. همچنین استمرار اقامه مجالس عزا در خانه‌ها و بیان فضیلت شعر گفتن در رثای ابی‌عبدالله علیه السلام و رفتن به زیارت آن حضرت در هر شرایط و در مناسبت‌های گوناگون و ترغیب به زیارت اربعین از ویژگی‌های این دوران است.

عنوان «زیارت اربعین» به زمان امام صادق علیه السلام بازمی‌گردد و عجیب این است که با وجود بیم و ترس از حکومت جائز، مردم از امام سؤال می‌کردند که با وجود ترس از خبرچینان و عوامل حکومت، آیا به زیارت حضرت سیدالشهدا برویم؟ و حضرت می‌فرمودند که بروید.^۸ این در حالی است که فقهای شیعه در مسئله حج، یکی از شرایط استطاعت را «تخلیه سرب» بیان فرموده‌اند؛ یعنی باید امنیت باشد و اگر امنیت نباشد، استطاعت محقق نیست؛ اما در مورد زیارت سیدالشهدا علیه السلام حتی با نبود امنیت نیز مردم را ترغیب به زیارت می‌کردند. از این گذشته، به مناسبت‌های مختلف نیز ترغیب به زیارت آن حضرت شده است. در جلد ۱۴ وسائل الشیعه، در آخر کتاب حج، مناسبت‌های زیارتی سیدالشهدا علیه السلام ذکر شده است^۹ که در این بخش، تنها به مناسبت‌ها و ابواب آن در وسائل اشاره می‌کنیم:

استحباب تکرار زیارة الحسین علیه السلام؛ استحباب زیارة النساء؛ کراهة ترک زیارت الحسین علیه السلام؛ استحباب المشی إلى زیارة الحسین علیه السلام؛ باب استحباب الاستنابة فی زیارت الحسین علیه السلام.
یا در مناسبت‌ها و حالات گوناگون:

استحباب زیارت الحسین علیه السلام ولو ركب البحر؛^{۱۰} (یعنی حتی اگر ناگزیر از پیمودن دریا با کشتی باشید، باز زیارت سیدالشهدا علیه السلام مستحب است). یا در مناسبت‌ها و زمان‌های خاص^{۱۱} مانند: استحباب زیارت الحسین علیه السلام لیلة عرفة؛ فی اول رجب؛ فی النصف من شعبان؛ لیلة النصف من شعبان بکربلاء؛ استحباب زیارت الحسین علیه السلام لیلة القدر؛ لیلة الفطر؛ لیلة عاشورا؛ یوم الاربعین؛ استحباب زیارت الحسین علیه السلام کل لیلة جمعة.

اما در خصوص روز اربعین در جلد ۱۴ و سائل الشیعه^{۱۲} این باب را می‌یابیم: «باب تأکد استحباب زیارت الحسین (علیه السلام) يوم الأربعاء من مقتله و هو يوم العشرین من صفر». تأکد استحباب را که در این جا مطرح است، با آوردن روایاتی بیان می‌کند. روایت اول از امام حسن عسکری (علیه السلام) است که فرمود: «علامات المؤمن خمس، صلاة الخمسین، و زیارت الاربعین، والتختم فی الیمین، و تعفیر الجبین، و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم»؛^{۱۳} نشانه‌های انسان مؤمن پنج‌تاست: پنجاه رکعت نماز روزانه (نمازهای واجب و نافله)، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست کردن، پیشانی بر خاک نهادن و بسم الله الرحمن الرحیم را بلند گفتن.

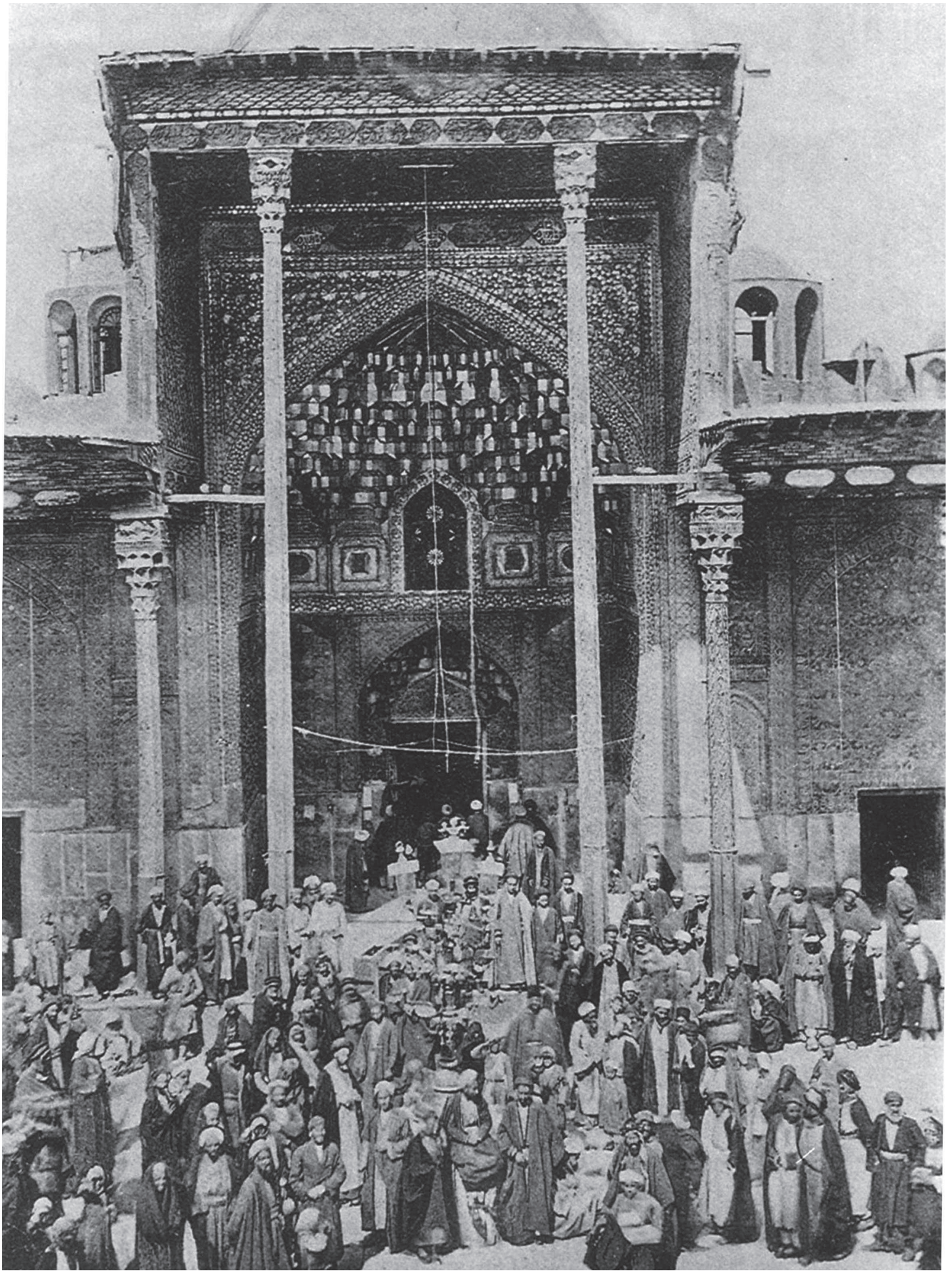
این روایت گرچه مرسل است، ولی بنا بر تسامح در ادله سنن و احادیث من بلغ در بحث مستحبات، مرسل بودن خبر، ضرری نمی‌رساند و مشکلی ایجاد نمی‌کند.

سپس روایت صفوان جمال را از امام صادق (علیه السلام) نقل و کیفیت زیارت اربعین را بیان می‌کند^{۱۴} و بعد مطلبی است که از «مصباح المتهدجد» نقل می‌کند.^{۱۵} فتوای صاحب وسائل در تیترا بواب کتابش معلوم می‌شود و از اول تا آخر وسائل این گونه است. در این جا فتوایش این طور است: «باب تأکد استحباب زیارت الحسین (علیه السلام) يوم الأربعاء».

این فضیلت زیارت اربعین از قدیم در کتاب‌های روایی مطرح بوده و همه جا در اهمیت و فضیلت زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) به همین روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) که اصل آن در مزار شیخ مفید^{۱۶} و دو کتاب شیخ طوسی (یعنی تهذیب الاحکام^{۱۷} و مصباح المتهدجد^{۱۸}) است، تمسک کرده‌اند.

شیخ مفید در کتاب مزار، عنوان «فضل زیارت الاربعین» دارد که این را بعد از «فضل زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا» قرار داده است و به همین حدیث امام حسن عسکری (علیه السلام) تمسک می‌کند.^{۱۹} شیخ طوسی نیز در کتاب «تهذیب الاحکام» به همین روایت تمسک می‌کند و در ضمن فضایل زیارت امام حسین (علیه السلام) همین روایت را می‌آورد.^{۲۰}

همچنین شیخ طوسی در «مصباح المتهدجد» می‌فرماید: «و یستحب زیارت فیه و هی زیارة الاربعین» بعد هم همین روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) را بیان می‌کند^{۲۱} و سپس روایتی از امام صادق (علیه السلام) در کیفیت زیارت دارد که در وسائل به آن اشاره می‌کند و همه خبر و زیارت را نمی‌آورد و فقط یک جمله‌اش را می‌آورد: «السلام علی ولیّ الله و حبیبه...»^{۲۲} اما در مصباح المتهدجد کامل



آمده است. در آنجا دارد که در روز اربعین و در وقت بلند شدن روز بگو:

«السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ وَنَجِيبِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَىٰ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ، وَقَتِيلِ الْعِبْرَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ، وَصَفِيكَ وَابْنُ صَفِيكَ، الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ، أَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ، وَأَجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ، وَذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ، وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ، فَأَعَذَرَ فِي الدُّعَاءِ، وَمَنَحَ النُّصْحَ، وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ، لِيَسْتَنْتَقِدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ، وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مِنْ غَرَّتِهِ الدُّنْيَا، وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الْأَذْنَى، وَشَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ، وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ، وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ، وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ، فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، حَتَّىٰ سُنِّفَكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ، وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيْلًا، وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ، عَشْتُ سَعِيدًا، وَمَضَيْتُ حَمِيدًا وَمُتُّ فَقِيدًا مَظْلُومًا شَهِيدًا، وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ، وَمُهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبُ مَنْ قَتَلَكَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّىٰ أَتَيْكَ الْبَقِيْنُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ، يَا بَنِيَّ أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنْجَسْ بِالْجَاهِلِيَّةِ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْ بِالْمُدْلِهَمَاتِ مِنْ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْأَمَامُ الْبُرِّ التَّقِيِّ، الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأُمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَىٰ أَهْلِ الدُّنْيَا، وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّىٰ يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامِعٌ عَدُوِّكُمْ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ، وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»^{٣٣}

این زیارت مخصوص سیدالشهداء علیه السلام در روز اربعین و معروف به «زیارت اربعین» است. سید ابن طاووس نیز در «اقبال الاعمال» فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز بیستم ماه صفر را بیان کرده و به همان حدیث معروف امام حسن عسکری علیه السلام تمسک می‌کند.^{٣٤} علامه حلی

نیز در «منتهی المطلب» می نویسد: «و تستحب زیارته يوم الاربعين من مقتله و هو العشرون من صفر» بعد هم همین روایت علامات المؤمن خمس را بیان می کند.^{۲۵}

شهید اول در کتاب مزار می گوید: «و منها زیارة الاربعين و يوم هو العشرون من صفر»^{۲۶} و کفعمی در دو کتابش «البلد الامین» و «المصباح» خود همین مطلب را آورده است. در «البلد الامین» می نویسد: «یستحب بالعشرين منه زیارة الحسين علیه السلام و هی زیارة الاربعين»^{۲۷} و در مصباح نیز همین مطلب را آورده است.^{۲۸}

علامه محمدتقی مجلسی (مجلسی اول) در «روضه المتقین» در فضل زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین به همین حدیث امام حسن عسکری علیه السلام تمسک می کند.^{۲۹} محمدباقر مجلسی صاحب بحار الانوار نیز در دو کتاب «بحار الانوار» و «ملاذ الاخیار» نیز چنین آورده است. در بحار الانوار زیارت اربعین را مطرح و تمسک به همین روایت امام عسکری علیه السلام دارد^{۳۰} و در ملاذ الاخیار (که شرح بر کتاب تهذیب الاحکام است) نیز چنین آورده است.^{۳۱}

این که مقصود از زیارت اربعین، خصوص زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین است، به سبب شواهد متعددی از بیان علما از زمان شیخ مفید و شیخ طوسی تا زمان سید بن طاووس و بعد علامه حلی، شهید اول، کفعمی، شیخ حرّ عاملی، مجلسی اول و دوم است که ایشان همین معنا را از روایت فهمیده اند. و از این بالاتر، زیارت اربعین طبق فرمایش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از جمله علامت های مؤمن شمرده شده است. بنابراین شاید بتوان گفت که پیش از شهادت سیدالشهدا علیه السلام اصلاً اربعین جلوه ای نداشته است. اربعین به معنای پاسداشت چهلمین روز حماسه کربلا و شهادت سیدالشهدا علیه السلام و یارانش مطرح شد و دشمنان هیچ گاه نتوانستند آن را از بین ببرند؛ به گونه ای که زیارت اربعین که ابتدا به چند ده نفر محدود می شد، امروزه به حضور میلیونی زائران تبدیل شده است

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که حتی اگر جابر به کربلا نمی آمد، باز هم زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین مستحب بود؛ گرچه جابر هم یقیناً در آن روز آمده است؛ چون مفاد زیارت جابر بسیار والاست و معارف عالی دارد و مضمونی است که کاملاً با عمق عقاید شیعه منطبق است و نشان از کمال معرفت جناب جابر بن عبدالله انصاری دارد و بعید نیست که جابر بن عبدالله، هم اصل زیارت را و هم توصیه به زیارت در روز اربعین را از ائمه

گرفته باشد و از این رو سعی کرد تا خود را در اربعین به کربلا برساند. پس زیارت اربعین و استحباب زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز اربعین ثابت است و بلکه به تعبیر دقیق شیخ حرّ عاملی شدت استحباب زیارت آن حضرت در روز اربعین ثابت است.

پس در روز اربعین دو جنبه هست: یکی اصل استحباب زیارت سیدالشهدا علیه السلام در این روز که دستور ائمه هدی است، و جنبه دیگر این است که جناب جابر در این روز موفق شد با عطیه به کربلا آید و به زیارت آن حضرت بشتابد.

خلاصه سخن این که: زیارت سیدالشهدا علیه السلام همیشه مستحب است، اما در اماکن خاص و اوقات خاص سفارش دوچندان به آن شده است و اهل بیت خواسته‌اند به بهانه‌های مختلف نام و یاد آن حضرت زنده نگاه داشته شود. از این رو کاری کردند که در طول سال مردم به یاد سیدالشهدا علیه السلام باشند و با ایشان انس داشته باشند. حضور در آن مکان مقدس هم آثار و برکات ویژه‌ای دارد؛ به اندازه‌ای که امام هادی علیه السلام وقتی بیمار شدند، با این که خودشان امام و حجت خدا هستند، افرادی را به کربلا می‌فرستند تا برای‌شان دعا کنند.

سرانجام این که خود مکان و شرایط زمانی و مکانی یقیناً آثار خود را دارد و در اربعین، این استحباب مضاعف است؛ چون با هدایت اهل بیت علیهم السلام به مرور به شعار شیعه تبدیل شده است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ . برقی، المحاسن، ص ۴۲۰، محمد امین الامینی، الايام الشامية من عمر النهضة الحسينية، ص ۴۶۷.
- ۲ . قاضی نعمان مصری، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۷.
- ۳ . محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲۵، ح ۱.
- ۴ . ابن قولویه قمی، کامل الزیارات، ص ۲۰۹، ح ۲۹۸.
- ۵ . محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲، ح ۱۶.
- ۶ . کامل الزیارات، ص ۲۰۸، ح ۲۹۷ و ص ۲۱۰، ح ۳۰۱.
- ۷ . اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۱۲؛ بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۵۷.

- ٨ . كامل الزيارات، ص ١٢٦ و ١٢٧.
- ٩ . وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٤٢٨-٤٤٢.
- ١٠ . همان، ج ١٤، ص ٤٥٨.
- ١١ . همان، ص ٤٥٩-٤٧٩.
- ١٢ . همان، ص ٤٧٨، باب ٥٦ كتاب الحج ابواب مزار و مايناسبه.
- ١٣ . همان، ص ٤٧٨، ح ١٩٦٤٣.
- ١٤ . همان، ص ٤٧٨، ح ١٩٦٤٤.
- ١٥ . همان، ص ٤٧٨، ح ١٩٦٤٥.
- ١٦ . شيخ مفيد، المزار، ص ٥٢.
- ١٧ . شيخ طوسي، تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ٥٢، ح ٢٠١.
- ١٨ . شيخ طوسي، مصباح المتعجل، ج ٢، ص ٧٨٨.
- ١٩ . المزار، ص ٥٢.
- ٢٠ . تهذيب الاحكام، ج ٦، ص ٥٢، باب ١٦ باب فضل زيارته.
- ٢١ . مصباح المتعجل، ج ٢، ص ٧٨٨.
- ٢٢ . وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ٤٧٨، ح ١٩٦٤٥.
- ٢٣ . مصباح المتعجل، ج ٢، ص ٧٨٨.
- ٢٤ . سيد ابن طاووس، اقبال الاعمال، ج ٣، ص ١٠٠.
- ٢٥ . علامه حلي، منتهى المطلب، جلد ١٣، ص ٢٩٥.
- ٢٦ . المزار، ص ١٨٧.
- ٢٧ . تقي الدين ابراهيم كفعمي، البلد الامين، ص ٢٧٤.
- ٢٨ . تقي الدين ابراهيم كفعمي، المصباح، ص ٤٨٢.
- ٢٩ . محمدتقي مجلسي، روضة المتقين، ج ٥، ص ٣٨٩.
- ٣٠ . بحار الانوار، ج ٩٨، ص ٣٢٩، باب ٢٥.
- ٣١ . محمدباقر مجلسي، ملاذ الاخيار في فهم تهذيب الاخبار، ج ٩، ص ١٢٥.